



روزانه ها ...

خانه قلم ها پیوندها

از نگاه فریدون ایل بیگی / سیاسی



# م . شاهین [ فریدون ایل بیگی ] : جنگِ دو رژیمِ حاکم بر ایران و عراق

## 1 - کی ، چگونه و چرا آغاز شد ؟



توضیحا بگویم :

قصد من ، نشر نوشته های فریدون است و نه « تبلیغ » برای این و آن سازمان و تشکیلاتی - که سالهای سالست که وجود خارجی ندارند و گناه من نیست که نوشته های فریدون در این نشریات آمده اند ؛ او به راه خود می رفت و من هم به راه خودم و همیشه و در همه موارد با هم موافق نبودیم .

به نظرم ، هنوز هم ، امروز ، خواندن نوشته هایش عبرت انگیزست و قابل استفاده .

آزاد (م) ایل بیگی

نظریات

دوشنبه اول فروردین ماه ۱۳۶۳  
دوره پنجم شماره ۱ و ۲ شماره های پی در پی ۱۸۴ و ۱۸۳  
Vol:V No.1&2 March 21st, 1983 Page6

از نشریه رهائی

### چرا و چگونه جنگ آغاز شد؟

## ایرانشهر صفحه ۶

## آراء، عقاید

### اشاره:

در این هفته شماره اول از دوره سوم نشریه «رهائی» از نشریات «سازمان وحدت کمونیستی» بدستمان رسید. نشریه رهائی که دوره دوم آن با انتشار شماره ۱۱۱ به پایان رسید، یکی از معدود نشریات تحلیلی چاپ است که گذشته از مواضع خاص سازمان، بدستوان یک نشریه تحلیلی چاپ همیشه برقرار، مفید و خواننده‌ی بوده است. بر «مفید» بودن آن تا کید می‌رزم زیرا برخلاف پاروای از نشریات هواداران نیروهای «وم» که اکثر مطالب آنها شعارگونه بدو میرا گشتن به وقایع سیاسی و جدا کثیر تحلیل انقلابی سوسیالیستی سالهای پیش، کشورهای دیگر جهان است، این نشریه اغلب دارای تحلیل هائی در رابطه با مسائل ایرانی است که مستند، منطقی و آموزنده بوده است.

طی دوره دوم و سوم ایرانشهر، چندین مقاله تحلیلی از مقالات رهائی را

بنظر خوانندگان رساندیم. این شماره از رهائی که در قطع ۱۱x۸/۵ اینچ و روی کاغذ مرغوب چاپ شده است، توسط « هواداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور» و ظاهراً با استفاده از متنی که از داخل کشور بدستشان رسیده است، تجدید حروف جینی (تایپ) و چاپ شده است. شماره اول دوره سوم، گذشته از مقاله کوتاه در باب «وضعیت کنونی و انتشار مجدد رهائی» حاوی دو مقاله است: «در انتظار یک

معجزه اقتصادی»، (تحلیلی از اوضاع اقتصادی رژیم در ۱۲ صفحه) و «جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق» (تحلیلی از جنگ‌های آغاز جنگ و تحولات و مشکلات جنگ در ۲۰ صفحه و هنوز ناتمام)

از آنجا که هم اکنون مساله امکان و احتمال رسیدن به راه حل سیاسی برای خاتمه جنگ مطرح است، بنظر ما این تحلیل - که با استفاده از واقعیات مستند تنظیم شده است - نه تنها برای خوانندگان ایرانشهر بطور عام، بلکه برای دست اندرکاران مسائل سیاسی نیز بالاحصی، میتواند مفید و باارزش باشد. متأسفانه چون مقاله بسیار طولانی است و امکان چاپ همه آن در صفحات محدود ایرانشهر میسر نیست با صرف نظر کردن از بخش هائی از مقاله، کلی مطلب را در دو شماره بنظر خوانندگان میرسانیم.

اسفیل از خواندن مقاله دو توضیح

زیر ضروری است:

۱- بجز دو صفحه اول مطلب که مدخل و مقدمه ای بر اصل مطلب است. بقیه مطلب عینا نقل شده است. منتها برای اختصار، در مواردی که نقل از مطبوعات ایران شواهدی ذکر شده است، کوشش کردیم از آنچه که تقریباً مشابه همدیگر بوده و یا اهمیت چندانی نداشت صرف نظر شود.

۲- در مقدمه مطلب بر این نکته تا کید شده است که «آنچه در مقاله حاضر

عنوان میشود، عمدتاً طرح مسائل است و اشاراتی در مورد آنها و گاهی تیز ارانه پاسخ ها، از نظر ما، کم و بیش همه «جانبه» هستند. یادآوری شده است که «وقتی که ما از دو رژیم از جنسی حاکم بر ایران و عراق صحبت می کنیم، معنی این است که جنگ این دو رژیم را، از منبج طرف، عماد لانه فحش کنیم. مفهوم ساده تر عبارات این است که در جنگ کنونی، یک طرف - هر طرف که باشد - «مظلوم» و طرف دیگر «ظالم» نیست. با این مقدمات بدیهی، وقتی که یک طرف مسئولیت «اضل» یا حداقل مسؤلیت عمده و بیشتر این مسئولیت در آغاز جنگ را داشته باشد، در یک برخورد نادرست ممکن است چنین تصور شود که از طرف مقابل، که در یک زمان مسؤلیت غیر عمده یا کمترین مسؤلیت را در آغاز جنگ داشته، به نوعی «حمایت» شده است. دفاع از یک واقعه تاریخی، یک چیز است و هر نوع حمایت از یک رژیم جنایتکار نظیر رژیم بعث عراق،

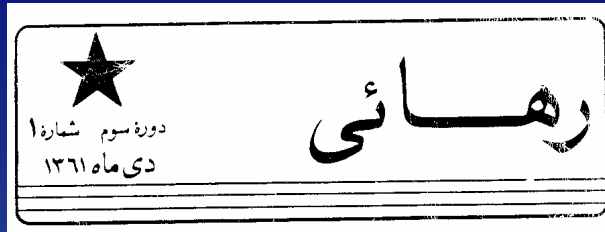
یک چیز دیگر و این دومی از ما

دور باد!

متأسفانه هیچ نوع آدرسی برای تهیه نشریه «رهائی» در هیچ کجا ندیدیم که چاپ شده باشد. اگر دوستان « هوادار سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور» با ما تماس گرفتند و آدرسی برای علاقمندان دریافت نشریه در اختیارمان گذارند با اطلاع خوانندگان خواهیم رساند.

« ایرانشهر »

## متن کامل راز «رهائی» می آورم:



همان‌گونه که اشاره شد، در این شماره يك مطلب خواهیم داشت مربوط به وضع اقتصادی رژیم. در این مقاله، صرفاً اقتصادی، همان‌طور که در متن آن نیز اشاره شده، از نتیجه‌گیری سیاسی خودداری گردیده است، عمدتاً به این دلیل که بن بست‌های وضع اقتصادی رژیم در آن چنان روشن است که خواننده خود به تنهایی می‌تواند به آن نتیجه‌گیری‌ها دست‌یابد. در این مقاله، که بر اساس آمار و ارقام و فاکت‌های استخراج شده از منابع خود رژیم تهیه شده، وضع اقتصادی درهم‌ریخته آن در شش عرصه مهم اقتصاد دنبال گردیده است. آن چه در طی مقاله حاضر نشان داده شده، این واقعیت است که گرفتاری‌های اقتصادی رژیم اسلامی، به مراتب وخیم‌تر از آن چیزی است که معمولاً از آن به عنوان بحران اقتصادی نام می‌برند.

مقاله دیگر، به جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق اختصاص یافته است. در این مقاله جنگ کنونی از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و چشم‌انداز آینده در آن تصویر شده است. محتوای این مقاله را، در يك سیمای کلی، دو سوتیتر آن - "جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق، کی، چگونه و چرا آغاز شد" و "خیرات جنگ و مکافات جنگ" - مشخص می‌کند. در مورد این مقاله تذکره يك نکته لازم است. با این که در مورد کلیات مقاله حاضر اختلاف نظری وجود ندارد، ولی در جزئیات، در مورد برخی از مباحث این مقاله، کلیه رفاک‌ل‌زوما برداشت‌ها و ارزیابی‌های یکسانی ندارند.

در همین جا لازم است به يك نکته اشاره کنیم. در دوره‌های گذشته، رهائی، مقالاتی که در جزئیات آن‌ها، این جا و آن جا، توافقی همگانی وجود نداشت، با امضا و سایر مقالات نشریه بدون امضا منتشر می‌شدند. از ماه‌ها قبل از انتشار این شماره، بحثی در سطح سازمانی مطرح شد

2

۳ که به هنگام انتشار مجدد نشریه کلیه مقالات آن با امضا منتشر شوند، عمدتاً به این دلیل که سنت چاپ مقالات بی‌امضا، که در نشریات چپ بدون استثنا رواج داشت، يك سنت کمونیستی نیست بلکه يك "سنت" استانیستی است که از آن زمان مستقیماً به ایران راه یافته است. مقالات تمام نشریات سوسیال دموکراسی آلمان و روزنامه ایسکرا همواره با امضا بود. وجود مقالات با امضا در آن نشریات ابداعاً به دلیل وجود "اختلاف نظر" در سوسیال دموکراسی آلمان و حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه نبود، بلکه از بسک برداشت عمیقاً دموکراتیک و انقلابی نشأت می‌گرفت. مقالات بدون امضا علاوه بر این که يك شیوه ضد دموکراتیک است - چرا که همواره در يك سازمان، يك یا چند نفر وجود خواهند داشت که نظر خود را در آن مقاله نیابند - مضافاً حتی تفاوت در رنگ آمیزی‌های يك نظر عمومی را نیز تحویز نمی‌کند، ابداعاً به مفهوم اتفاق نظر، انسجام و فقدان اختلاف نظر یا سلیقه در يك سازمان نیست، بلکه فقط يك حساب است که دیر یا زود دریده می‌شود. نزدیک‌ترین تجربه، سرنوشت سازمان‌های چپ ایران است؛ وجود مقالات همواره به طور یکدست بدون امضا مانع اختلاف نظرهای عمیق و انشعابات پی‌درپی در بین آن‌ها نشده است. بلکه کاملاً برعکس، زمینه‌ساز آن اختلافات عمیق و انشعابات بوده است.

به هر حال، از این شماره کلیه مقالات رهائی با امضا خواهد بود. اما ما دو نوع مقالات با امضا خواهیم داشت: مقالات با امضا و مقالات با امضای همراه با يك توضیح. نوع اول مقالاتی است که به نظر می‌رسد که در کلیات و جزئیات آن برداشت‌های متفاوت وجود نداشته باشد. اما همواره این احتمال وجود دارد که يك یا چند رفیق با آن توافق کامل نداشته باشند و از این حاست فلسفه با امضا بودن این نوع مقالات -، ولی مقالات نوع دوم، برعکس، به نظر می‌رسد که علی‌رغم توافق در کلیات، در جزئیات آن، این جا و آن جا، برداشت‌ها و ارزیابی‌های متفاوتی وجود داشته باشد. نمونه این دو نوع مقاله، با امضا در همین شماره به ترتیب مقاله اقتصادی و مقاله جنگ است. \*

# جنگِ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق

اکنون ۲۷ ماه از تاریخ "رسمی" ( ۱ ) آغاز جنگ بین دو رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق می‌گذرد و هنوز چشم اندازی برای خاتمه آن در افق دیده نمی‌شود. در رابطه با این جنگ دراز مدت و ویران‌گرانه جنایت‌کارانه، سئوالات بسیاری می‌تواند مطرح شود. از جمله: این جنگ کی، چه گونه و چرا آغاز شد؟ مسئولیت‌طرفین در آغاز این جنگ کدام است و کدام یک از آن‌ها مسئولیت اساسی و اصلی در آغاز و ادامه آن دارد؟ نقش‌کنورهای امپریالیستی و جناح‌های مختلف آن در این آتش‌افروزی در چه حد است؟ دو قدرت بزرگ جهانی از این جنگ چه منافع دارند و، از آن‌جا، بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به ادامه این جنگ نابودگرانه. این قدرت‌های بزرگ و نیز کشورهای سرمایه‌داری غرب در خاتمه دادن به این جنگ چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟ یک جناح از حاکمیت + خمینی از همان ماه‌های اول انقلاب از جنگ‌افروزی و جنگ‌طلبی چه هدفی را دنبال می‌کرد و همان جناح + خمینی که امروز رژیم ولایت فقیه را تشکیل می‌دهند، در ادامه جنگ و کشاندن آن به داخل خاک عراق چه امیدهایی را در سر می‌پروراندند؟ این امیدها آیا محقق پذیر است و یا رویاهای مسخره‌تی بیش نیست؟ ... برخی از سئوالات فوق از هم اکنون جواب‌روشنی دارند - که در حد یک مقاله فقط می‌توان به آن‌ها اشاره کرد و باز کردن بیشتر آن‌ها را به فرصت دیگری واگذار است - ، برخی دیگر هنوز جواب دقیق و روشنی ندارند، ولی طرح آن‌ها در هر حال لازم است، و برخی دیگر جواب دقیق و روشنی دارند چراکه تجربیات گذشته به اندازه کافی بر آن‌ها نورافشاده است. و آن‌چه در مقاله حاضر عنوان می‌شود، عمدتاً طرح مسائل است و اشاراتی در مورد آن‌ها و گاهی نیز ارائه پاسخ‌هایی، از نظر ما، کم و بیش همه جانبه. و ایمن نکته تأکید شده در این‌جا را به هنگام مطالعه، سرتاسر مقاله حاضر، نباید از نظر دور داشت. در همین جا لازم است که برای جلوگیری از سوء تفاهات احتمالی یک نکته مهم دیگر را تذکر دهیم: در هر جنگ یک طرف، تمامی مسئولیت، یا مسئولیت اصلی یا مسئولیت عمده و بیش‌ترین مسئولیت آغاز آن را برعهده دارد. این قاعده کلی تمامی جنگ‌های تاریخ است. جنگ‌ها همواره به وسیله یک طرف آغاز می‌شود و در نتیجه: اولاً دو طرف متخاصم هیچ گاه مسئولیت مساوی ( ۵۰-۵۰ ) در آغاز یک جنگ ندارند ( و دستگاه دقیقی برای یک چنین اندازه‌گیری تا کنون اختراع نشده ) ، و ثانیاً دو طرف متخاصم، در آن واحد با هم جنگ را آغاز نمی‌کنند. وقتی که به این اصل کلی جنگ‌ها معتقد شدیم، سوء تفاهاتی که بخش‌هایی از مقاله حاضر ممکن است به وجود آورد، منتفی خواهد شد. وقتی که ما از دو رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق صحبت می‌کنیم، معنایش این است که جنگ این دو رژیم را، از هیچ طرف، عادلانه نمی‌دانیم. مفهوم ساده تر عبارت این است که در جنگ کونی، یک طرف - هر طرف که باشد - "مظلوم" و طرف دیگر "ظالم" نیست. با این مقدمات بدیهی، وقتی که یک طرف مسئولیت اصلی یا حداقل

۱- به طوری که متعاقباً اشاره خواهیم کرد، تاریخ واقعی آغاز این جنگ، قریب چهارسال پیش یعنی تقریباً هم‌زمان با استقرار رژیم جمهوری اسلامی است.

مسئولیت عمده و بیش‌ترین مسئولیت در آغاز یک جنگ را داشته باشد، در یک برخورد نادرست ممکن است چنین تصور شود که از طرف مقابل، که در یک زمان معین مسئولیت غیرعمده یا کم‌ترین مسئولیت را در آغاز یک جنگ داشته، بد نوعی "حمایت" شده است. دفاع از یک واقعیت تاریخی، یک چیز است و هر نوع حمایت از یک رژیم حنایت‌کار نظیر رژیم بعث عراق، یک چیز دیگر، و این دومی از ما دور باد!

## جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق کی، چه‌گونه و چرا آغاز شد

انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم سرسپردهٔ امپریالیسم آمریکا و زاندارم منطقه، میدانی را برای جاه‌طلبی‌های نیمچه دیکتاتورهای منطقه نظیر صدام باز کرد. رهبر جنجالی و توخالی لیبی، در آن گوشهٔ آفریقا، که در زمینه‌های متعدد بین خود و آیت‌الله خمینی قرابتی احساس می‌کرد، به شوق آمد، ولی مسئلهٔ امام موسی صدر، <sup>علیه السلام</sup> آرزوی نزدیکی قذافی به خمینی را به تأخیر انداخت. فرصت‌طلبانی نظیر یاسر عرفات، چه شور و شعفی از خود نشان دادند ولی به زودی این ماه عمل به نحو نافرمانی خاتمه یافت و حتی خاطرهٔ خوشی نیز از آن باقی نماند. سادات، برندهٔ جایزهٔ صلح نوبل (به همراه یک صلح طلب دیگر: مناخیم بگین!) با پناه دادن شاه مخلوع و خانواده اش به مصر، این کشور را به صورت مرکز تجمع سلطنت‌طلبان و افسران فراری درآورد. نیمچه دیکتاتور دیگر منطقه، حافظ اسد، که خود مشکلات فراوانی با قسریون مرتجع مذهبی، اخوان المسلمین، داشت، با دشمن دیرین خود، صدام حسین، پیمان وحدت و کشور راریخت ولی این وحدت نیز مانند وحدت‌های فراوان منطقه دیری نپائید. ژنرال ضیاء‌الدین رهبر نظامی جمهوری اسلامی پاکستان، و ملک خالد، "نگهبان حرمین شریفین"، با شور و شعف بسیار از انقلاب اسلامی استقبال کردند و پس از اعلام فرماندم جمهوری اسلامی، اولین کشورهایی بودند که رژیم جمهوری اسلامی را به رسمیت شناختند.

همان طوری که گفته شد، پیمان وحدت صدام و اسد به روی کاغذ باقی ماند، ولی دشمنی دیرین و دوشاخه از حزب بعث با شدتی بیش از گذشته ادامه یافت. صدام حسین که از "قرارداد تحمیلی" ۱۹۷۵ الجزایر - که توسط شاه به عراق تحمیل شده بود - ناخشنود بود، البته در انتظار فرصت مناسب بود، ولی آغاز سال ۷۹ فرصت مناسبی برای آن به دست نمی‌داد، از جمله به دلایل زیر: - توهنات سوسیالیسم خرده بورژوازی در نزد توده‌های عراقی کم‌کم بی‌رنگ می‌شد. رژیم بعث عراق، مثل هر رژیم ضد مردمی دیگر، راه علاج را در سرکوب، دستگیری، زندان و اعدام یافت. حزب کمونیست عراق (طرفدار شوروی) برای چندمین بار از حکومت کنار گذاشته شد. دستگیری، زندان، اعدام و ترور رهبران و فعالین حزب آغاز شد (۲)، و از آنجا روابط بغداد و مسکو به سردی گزاشید. روابط سیاسی بین عراق و آمریکا هم چنان قطع بود ولی روابط عراق با کشورهای سرمایه‌داری غرب و ژاپن بسیار گرم بود و حتی آمریکا یکی از صادرکنندگان عمدهٔ کالا به عراق به شمار می‌رفت (۳). کرد‌های عراق و "اتحادیهٔ میهنی کردستان" که مبارزهٔ خود علیه رژیم بعثی صدام را دنبال می‌کردند، کم‌کم با سایر مخالفان رژیم عراق، با شش حزب

۲- "پس از الحاق حزب کمونیست به کرد‌های عراق، سه عضو برجستهٔ حزب کمونیست اعدام شدند. قانونی در عراق اخیراً به تصویب رسیده که هرکس از سال ۱۹۶۶ به این طرف در ارتش خدمت کرده، اگر در حزب کمونیست فعالیت کند، اعدام خواهد شد." (کپهان، ۱۳/۱۲/۱۳۵۷)

۳- "۸۵٪ از واردات عراق از کشورهای غربی به ویژه ژاپن و آمریکا و فرانسه است." (همانجا)

و سازمان متحد شدند ( ۴ ) . بر این ها باید مزدوران رژیم خمینی در شهرهای شیعه نشین عراق را اضافه کرد که علیه رژیم عراق دست به تحریک می زدند و بسیاری از بمب گذاری ها در عراق را ترتیب می دادند ( ۵ ) . بر این ها باید مزدوران قیاده موقت را اضافه کرد که " حزب کمونیست عراق یک جور رابطه فی با قیاده موقت دارد " ( ۶ ) . از جبهه مخالفان داخلی که بگذریم ، عراق در آن ایام در میان رژیم های عرب منطقه هم منزوی بود و طرفداری نداشت . این انزوا نه فقط در میان رژیم های مرتجع ، بل که هم چنین در میان کشورهای به اصطلاح مترقی منطقه نیز وجود داشت . عراق عملاً خود را از " جبهه امتناع " کنار کشیده بود و در جلسات آن شرکت نمی کرد .

با در نظر گرفتن مجموعه عوامل فوق ، می توان پی برد که چرا صدام در اولین ماه های پس از قیام به جاه طلبی های خود مهار زده و علاقه فی به ماجراجویی فوری در مرز های ایران نداشته است ( ۷ ) ، و حتی - منتها به نحوی زیرکانه و موزیانه - کوشید که علی رغم تحریکات یک بخش از رژیم جدید ایران - که نقره غالب در شورای انقلاب اسلامی داشت و مضافاً از طرف خمینی حمایت می شد - و عمال آن در عراق با رژیم جدید ، به ویژه با دولت بازرگان ، روابط عادی و حتی دوستانه داشته باشد : در آستانه پیروزی انقلاب ، سفارت عراق در تهران نامه زیر را برای روزنامه آیندگان - و مشابه آن را برای روزنامه کیهان - فرستاد :

" شورای نویسندگان آیندگان

احتراماً اشعار می دارد که در شماره ۱۴ بهمن ( ( ۵۷ ) ) آن روزنامه شریفه ( و هم چنین در شماره همان روز روزنامه شریفه کیهان ) به نقل از یکی از مجله هائی که در

۴- متحدین " اتحادیه ... عبارت اند از : ۱- حزب بعث سوسیالیست عرب ، ۲- حزب سوسیالیست ( یک حزب ناصریست ) ، ۳- جنبش سوسیالیست عرب ، ۴- کنگره ملیون سوسیالیست ( که این هم ناصریست است ) ، ۵- ارتش رهائی بخش عراق ، ۶- حزب کمونیست عراق ( صاحبه جلال طالبانی با اطلاعات ۰۵۹/۲/۱۶ ) .

۵- چند ماه بعد ، یعنی پس از خرداد - تیر ۵۸ و سرکوب خلق عرب توسط ریاد آرپامبری و استانداری اسلامی خوزستان ، مدنی جلال و پاسداران جنایت کار ، بمب گذاری ها در خوزستان آغاز شده و با فراهم کردن زمینه بمب گذاری از طرف رژیم ، بمب گذاری های پی پی درسی ، البته با حمایت رژیم عراق در خوزستان صورت گرفت . به نظر می رسد که این بمب گذاری ها عمدتاً - نه تماماً - توسط مزدوران رژیم بعث انجام شده باشند .

۶- صاحبه فوق الذکر اطلاعات با طالبانی .

۷- بازرگان اخیراً در یکی از جزوات نهضت آزادی ( موخ ۱/۴/۶۱ ) تحت عنوان " تلاش دولت موقت برای جلوگیری از جنگ تحمیلی عراق " ، نوشت که : " دولت موقت ... کوشید ... از درگیری در زمانی که به نفع دشمن است ، اجتناب ورزد " . باید قبول کرد که همین محاسبه را رژیم عراق هم می کرد . علاوه بر تمام آنچه در سطور فوق گفته شد ، هم چنین توجه کنیم که آغاز جنگ از طرف عراق در آن اوایل انقلاب علی رغم وجود توده فی عظیم - و سازمان های سیاسی - متوهم نسبت به رژیم جدید ایران ، برای رژیم عراق ، به معنای واقعی کلمه خودکشی به شمار می رفت . و بخشی از دست اندرکاران رژیم جدید ایران ( یا به قول بازرگان در همان جا : " دوستان نادان " ) چنین " محکوم " نداشتند . کاملاً برعکس ، آن ها که دیر آمده بودند می خواستند زود برسند و - در این مورد مانند موارد بی شمار دیگر - می کوشیدند تا تنور داغ است نان را بچسبانند ، چرا که می دانستند که آن روزهای خشوش و شیرین ، که با یک فرمان " امام " میلیون ها نفر به خیابان ها بریزند ، همیشه نخواهد پائید .

پاریس منتشر می‌گردد. از قول یک نفر از مقامات عراق که نام او ذکر نشده خبری نقل شده مبنی بر این که عراق بازگشت شاه را امری مطلوب می‌داند و مایل است که شاه به ایران برگردد. سفارت جمهوری عراق در تهران این خبر را به شدت تکذیب می‌نماید و بسا قاطعیت می‌گوید که هیچ مقام عراقی چنین اظهاری ننموده و یادآوری کرد که عراق بسه اراده، میهن پرستانه، ملت ایران کمال احترام را می‌گذارد و در امور داخلی ایران هیچ گاه دخالت نمی‌نماید. ضمناً سفارت جمهوری عراق برای روشن شدن از همان عمومی در ایران متذکر می‌گردد که این روش عراق اصولی و ثابت است و هرگونه انتشاراتی بر خلاف آن که به منظور از بین بردن حیثیت عراق می‌باشد از منابع امپریالیستی و صهیونیستی سرچشمه می‌گیرد. - سفارت جمهوری عراق\* (آیندگان، ۲۳/۱۱/۵۷).

جنگ روز بعد:

"دولت عراق طی نامه‌ای به بازرگان، نخست‌وزیر جدید، موضع خود را در برابر حوادث جاری ایران روشن ساخته است. دولت عراق اعلام کرده است: ملت عراق نیز ده‌ها سال بر ضد سلطه، استعمار رژیم سلطنتی فاسد و استثمار مبارزه نموده و لساناً از پیروزی ملت ایران در این باره خرسند است. دولت عراق از بیانات صادره از طرف آیت‌الله خمینی، رهبر بزرگ دینی و سایر شخصیت‌هایی که انقلاب ایران را رهبری می‌نمایند در باره روابط ملت‌های عرب و موضع ایران در برابر گروه غاصب صهیونیستی با خرسندی تلقی می‌نماید" (اطلاعات، ۲۷/۱۱/۵۷).

در همان وقت:

"رادیو بغداد در برنامه عربی خود گزارش داد که صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق در مصاحبه‌ای با مجله "القباس" چاپ بغداد در پاسخ به این سؤال که عراق اوضاع ایران را چه گونه ارزیابی می‌کند، گفت: ما در داخل ایران هدفی نداریم بنابراین وظیفه ما نیست که در کشمکش دخالت کنیم. ما آن چه ملت ایران تصمیم بگیرد قبول داریم و می‌گوییم که با آن همکاری صحیح در جهت تحقق منافع ملت‌های منطقه و حفظ امنیت و ادامه روابط تاریخی در جهت صحیح آن بر اساس عدم مداخله در امور داخلی و محترم شمردن حاکمیت طرفین و همکاری مشترک بایک‌دیگر است. مشترک در این راه داشته باشیم. آینده ملت‌ها بر اساس مداخلات خارجی تعیین نمی‌شود بل که از داخل بر اساس استقلال و آزادی ملت‌ها حل می‌شود. رژیمی که بسه عنوان دیواری علیه ما پشتیبان دشمن ما نباشد، از دخالت در امور ما خودداری کند، و سیاست آن با نقش ملت‌های ما هم‌آهنگی داشته باشد یقیناً رژیمی خواهد بود که از احترام و ستایش ما برخوردار خواهد شد" (آیندگان، ۲۸/۱۱/۵۷).

حدود ده روز بعد، آیت‌الله خمینی در دیدار هیئتی که به سرپرستی حجت‌الاسلام مهربی (۸)

از کویت آمده بود، اولین سخن رانی رسمی تحریک آمیز خود علیه دولت‌های عراق و کویت را ایراد کرد. در طی آن، شعار "کشورهای اسلامی در زیر یک دولت و یک پرچم" را داد و اضافه کرد که "یک دولت

۸- حجت‌الاسلام مهربی نماینده خمینی در کویت برای صدور انقلاب بود و همان نقشی را داشت که آیت‌الله صدر در عراق، حجت‌الاسلام مدرسی در بحرین، و جنبش‌امل در لبنان داشتند. جنبش‌امل و همکاری آن بسا سرگرد حداد و دولت اسرائیل را که کنار بگذاریم، مهربی و مدرسی هر دو بعدها از کویت و بحرین اخراج شدند و توفیق آن را نیافتند که مانند صدر به نوشیدن شربت شهادت نائل آیند.

بزرگ اسلامی (( باید )) بر همه دنیا علیه کند" ( آیندگان ، ۵۲/۱۲/۷ ) .  
 جواب بلافاصله عراق " حمله هوائی به دهکده مرزی ایران در حوالی بانه" بود (۹) ( اطلاعات ، ۵۲/۱۲/۸ ) . و جنگ ایران و عراق تقریباً از همین تاریخ آغاز شد . می گوئیم تقریباً ، چراکه درگیری های مرزی در صورتی که یکی از طرفین به طور جدی خواهان تشدید و تعمیق آن نباشد ، می تواند به نسبی خاتمه یابد . البته به دلایلی که گفته ایم و به ویژه به دلایلی که بعداً خواهیم گفت ، چنین نشد . دولت بازرگان کوشش های زیادی کرد که آتش افروزان جنگ نه تنها علیه عراق بل که هم چنین تحریک کنندگان علیه بحرین ، کویت و عربستان سعودی را مهار کند ولی توفیقی نیافت ( ۱۰ ) . برای بازرگان ، " سرکوب ضد انقلاب داخلی " به ویژه " چپی ها " و نیز کردها و ترکمن ها و غیره ، مهم تر از درگیر شدن با دولت عراق بود . و اگر هم قرار بود که دولت در یک جنگ خارجی درگیر شود ، از نظر بازرگان ها ، شریعت مداری ها و غیره ، بهتر بود که این جنگ به جای غرب به شرق کشور هدایت شود و به همراه دولت برادر ، پاکستان به کمک مجاهدین مسلمان افغانی بشتابند . ولی همان طوری که گفته شد ، تلاش های بازرگان در مقابل " دوستان نادان " با شکست مواجه شد ، چراکه او فقط "سته جاقو" را به دست داشت و آدم های " امروز " آن روز و " شخصیت " های معروف امروز ، تیغه آن را در دست داشتند . جنگ دو کشور از همان اوایل انقلاب عملاً آغاز شد . اگر روزنامه های ۱۹ ماه قبل از آغاز " تاریخ رسمی " جنگ دو کشور ، یعنی روزنامه های اسفند ۵۲ تا ۳۱ شهریور ۵۹ را ورق بزنیم ، تقریباً هیچ روزی نیست که درگیری های مرزی نه فقط با تفنگ ، بل که با توپ و تانک و هواپیما ، به همراه چندین کشته و زخمی ، بمباران شهرها و نواحی مرزی در طرف و غیره وجود نداشته باشد . فقط در دوره های کوتاه چندروزه ، که حادثه آفرینی ها در داخل دنبال می شد ، مرزها موقتاً به حال خود رها می شدند و " سوراخی " و فاصلهئی در میان درگیری قبلی و درگیری بعدی ایجاد می گردید : سرکوب نیروهای " ضد انقلاب " ، حمله به تظاهرات و راه پیمائی ها ، تسخیر دانشگاه ، فراندوم ها و امور مشابه .

آیا جنگ دو کشور ایران و عراق ، آن طوری که رژیم ولایت فقیه ، با انگیزهئی روشن ، ادعا میکند و بر آن اصرار می ورزد ، در ۳۱ شهریور ۵۹ با حمله عراق به فرودگاه ها و پایگاه های هوائی و متعاقباً با ورود

۹- این اولین حمله عراق است که ما در مطبوعات ایران یافته ایم ، ولی آیا این حمله در واقع جواب بسته سخنان تحریک آمیز خمینی بود و یا این که جواب به تحریکات مسلحانه عوامل جناحی از رژیم در مرز های ایران و عراق ؟ درست معلوم نیست . برای یافتن جواب دقیق باید به مطبوعات عراق و مطبوعات خارجی در آن ایام مراجعه کرد . به هر حال ، در یک جنگ ، آغازگر آن لزوماً طرفی نیست که اولین تیر را شلیک می کند . درست ترین شیوه برای تبیین آغازگر یک جنگ و شناخت متجاوز ، مراجعه به سیاست است . چراکه به قول آن استراتژ بزرگ یروسی ، " جنگ ادامه سیاست است از طریق وسایل دیگر " . یک سیاست توسعه طلبانه و بلند پروازانه نمی تواند به جنگ منتهی نشود ، و چنین بود راهی که تمامی امپراتوران نوع قدیم و جدید ، مذهبی و غیر مذهبی ، پیموده اند . تاریخ سرشار از نمونه هاست .

۱- بازرگان در همان جزوه فوق الذکر چنین نوشت :

" . . . دولت موقت از موضع قدرت اما صریح و قاطع و با یک دیپلوماسی حساب شده با دولت عراق برخورد نمود . روش و عمل کرد دولت موقت باعث شد که دولت عراق کلاً طی یادداشتی رسمی به دولت ایران به بمباران دهکده های مرزی توسط هواپیماهای خود اعتراف و ضمن قبول اشتباه و عذرخواهی آمادگی خود را برای پرداخت غرامت خسارات وارده اعلام نماید . به دنبال این یادداشت نمایندگان از جانب دو دولت ، دهکده های مرزی را برای تعیین میزان خسارت بازدید نمودند . ادامه امر تا وصول خسارات بعد از استعفای دولت موقت به شورای انقلاب محول گردید که ما از نتایج آن اطلاعی نداریم ."



به خاک ایران آغاز شده است؟ این حرف، مسخره است. و هیچ دادگاهی، به جز دادگاه انقلاب اسلامی، این ادعا را به عنوان دلیل آغاز جنگ بین دو کشور و به عنوان دلیل متجاوز شناختن یک طرف قبول نمی‌کند (۱۱). با همین "استدلال"، جنگ دو کشور از شش ماه قبل - یعنی از زمانی که عراق بخشا از خاک ایران بیرون رانده شد و بخشا تا پشت مرزهای بین‌الطلی عقب نشینی کرد - نیز باید خاتمه یافته تلقی شود، چرا که امروز، مانند ماه‌های اول انقلاب به بعد، جنگ عمدتاً در حوالی نوار مرزی ادامه دارد.

در مقاله "حاضر ارائه" تمامی فاکت‌هایی که از قریب چهار سال پیش به این طرف در دست داریم، امکان پذیر نیست و در این جا فقط به حوادث ۱۵ روز قبل از ۳۱ شهریور ۵۹ سرعاً اشاره می‌کنیم تا بی‌اساس بودن نظر رژیم ولایت فقیه در مورد آغاز جنگ بین دو کشور - یعنی دقیقاً در ۳۱ شهریور ۵۹ - روشن تر شود:

"رئیس‌جمهور و فرمانده کسل قوا (( بنی صدر )) گفت: ایران به عراق جوابی جانانه و دندان شکن داد. یک هوایمای عراقی سرنگون شد. تیمسار فلاحی دلایل حمله نیروهای ایران (( بمباران توسط فانتوم‌ها و هلی‌کوپتر های کبرا )) به شهر زورباتیه عراق را اعلام کرد. شش پایگاه و چندین تانک و انبار مهمات عراقی منهدم شد" (اطلاعات، ۵۹/۶/۱۵)

"از شهر زورباتیه عراق ساعت‌ها پس از پاسخ قوای ایران، صدای انفجار به گوش می‌رسید و شعله‌های آتش دیده می‌شد". (کیهان، ۵۹/۶/۱۵)

"جنگنده‌های هوایی ایران و عراق وارد نبرد شدند. نصر، فرمانده عملیات سپاه پاسداران قصر شیرین نیز در مورد درگیری‌های اخیر گفت: در یک عملیات نبرد هوایی جمهوری اسلامی که به وسیله ۸ فانتوم صورت گرفت، مواضع عراق درهم کوبیده شد و پاسگاه "اسود" عراق و پایگاه‌های روی روی "خان لیلی" به خصوص از نظر افراد تلفات سنگینی دادند. به گزارش خبرنگار کیهان و تأیید یک "مقام آگاه" در ژاندار مری، یک فانتوم و یک هلی‌کوپتر ایران سقوط کردند". (کیهان، ۵۹/۶/۱۸)

"نبرد شدید فانتوم‌های ایران و میگ‌های عراق در مرز" (کیهان، ۵۹/۶/۱۹)

"سه جنگنده عراق سرنگون شد" (جمهوری اسلامی، ۵۹/۶/۱۹)

"ده‌ها تانک عراق منهدم شد" (میزان، ۵۹/۶/۱۹)

"جنگ زمینی و هوایی ایران و عراق در چند جبهه اوج گرفت. هشت میگ و هلی

کوپتر دیگر عراق سرنگون شد" (کیهان، ۵۹/۶/۲۰)

۱۱- بی دلیل نیست که یکی از شروط اساسی رژیم ولایت فقیه مبنی بر تعیین متجاوز توسط یک دادگاه بین‌الطلی، از حدود یک سال پیش "ناکبهان" از میان شروط خاتمه جنگ غیبت کرده است و دیگر مطلقاً در باره آن حرفی زده نمی‌شود. علت آن چیست؟ بسیار روشن است: عراق در همان موقع رسماً اعلام کرد: ما این شرط را می‌پذیریم. یک دادگاه بین‌الطلی، چه اسلامی، چه کسورهای غیرتعمهد، وجه هر دادگاه دیگر که تشکیل شود و متجاوز تعیین گردد. بی دلیل نیست که دقیقاً از همان تاریخ قبول شرط اساسی رژیم خینی توسط عراق ("تعیین متجاوز توسط دادگاه")، سردم‌داران رژیم مرتباً تکرار می‌کنند که "به نظر ما عراق متجاوز است و باید مجازات شود و غرامت بدهد". و از جمله ایمن اظهارات مسخره، سخن سیدعلی خامنه‌ئی، رئیس‌جمهور و رئیس‌شورای عالی دفاع به هنگام رد "پیشنهاد اخیر صلح کفرانس اسلامی" بود که گفت: "برای ما متجاوز بودن عراق روشن است". (کیهان، ۶۱/۸/۳)

این گونه اظهارات در هیچ محکمه‌ئی به عنوان دلیل یک‌غاز ارزشمند ندارد.

" دو هواپیما و دو هلی کوپتر دیگر عراق در مرز سقوط کرد" (کیهان، ۵۹/۶/۲۲)  
 " یک میگ دیگر عراق سرنگون شد، عملیات گسترده قوای ایران برای بازپس گرفتن منطقه خان لیلی. سه پایگاه مرزی ایران از عراق بازپس گرفته شد. دو پایگاه عسراق در هم کوبیده شد." (کیهان، ۵۹/۶/۲۳)

" نبرد در سه جبهه شدت گرفت. عراق زیر آتش جنگنده های ایران عقب نشست. دو میگ دیگر عراق سرنگون شد. تأسیسات مرزی عراق در ناحیه شلمچه با خاک یکسان شد. قوای ایران چند پاسگاه و ناوچه عراقی را به آتش کشیدند." (کیهان، ۵۹/۶/۲۴)

" ارتش عراق در سه جبهه از ایران به شدت شکست خورد. دو پاسگاه عراقی در نوار مرزی نفت شهر منهدم شد. ارتش بعث در منطقه خان لیلی تلفات و خسارات سنگینی داد. نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران حالت تهاجمی گسترده به خود گرفتند." (کیهان، ۵۹/۶/۲۵)

" تأسیسات نفتی "بان میل" که از بزرگترین تأسیسات نفتی عراق است، هم چنان در میان آتش و دود می سوزد. جنازه شهدای جنگ ایران و عراق در چند شهر به خاک سپرده شد." (کیهان، ۵۹/۶/۲۶)

" ایران در جبهه جنوب مواضع عراق را در هم کوبید. صدام حسین قرارداد تعیین حدود مرزی ایران و عراق را طغی اعلام کرد. سه آشیانه توپخانه و برج دیده بانی عراق در باویسی نابود شد. دو روستای عراق از سکنه خالی شد. بیمارستان نظامی بصره از زخمی شدگان مزدور بعثت پر شده است." (کیهان، ۵۹/۶/۲۷)  
 " احتمال جنگ دریائی ایران و عراق. سه پایگاه و ۱۹ تانک دیگر عراق منهدم شدند." (میزان، ۵۹/۶/۲۹)

" چند پاسگاه و تأسیسات نفتی عراق منهدم شد. پنجاه تانک بعثی منهدم شد. چاه نفت صدام حسین منفجر شد. با فراگیر شدن انقلاب اسلامی در عراق، ده مقام توسط مجاهدین عراقی کشته و زخمی شدند. اعلامیه های شماره ۲ و ۳ ستاد مشترک ارتش صادر شد." (جمهوری اسلامی، ۵۹/۶/۲۹)

" جنگ دریائی ایران و عراق. درگیری در سراسر مناطق مرزی از نوسود تا "فاو" ادامه دارد. شش تانک دیگر و یک جنگنده عراق منهدم شد. تمام ساحل عراق در طول کانال اروندرود زیر آتش سنگین توپخانه ایران قرار دارد." (میزان، ۵۹/۶/۳۱)  
 " طی دو روز جنگ دریائی، نیروی دریائی ایران تأسیسات نظامی و ناوگان عراق را به توپ بست. توپخانه ایران، دو ناوچه عراقی را منهدم کرد. دکل دیده بانی و بی سیم عراق در ساحل اروندرود منهدم شد." (کیهان، ۵۹/۶/۳۱)

" جنگ ایران و آمریکا گسترش یافت. مزدوران آمریکا مستقر در عراق از زمین و دریا و هوا با نیروهای انقلاب درگیر شدند. یک چترپاز مصری دستگیر شد. روز گذشته ۱۱ میگ عراق سرنگون شد. چهار ناوچه سریع السیر موشک انداز عراق غرق شدند. اطلاعیه های شماره ۱۸، ۱۹، ۲۰ ستاد مشترک ارتش صادر شد." (جمهوری اسلامی، ۵۹/۷/۱)

" یک صد و چهل هواپیمای جنگی ایران مواضع عراق را در هم کوبید. چهارده میگ عراق سرنگون شد. فرودگاه ها و پایگاه های نظامی تهران، تبریز، شیپور، بوشهر، کرمانشاه، اسلام آباد، دزفول، اهواز، آبادان، جزیره مینو، قصرشیرین و

همدان مورد بمباران هوایی عراق قرار گرفتند. امام : دزدی آمده سنگی انداخته و فرار کرده و رفته سرچایش\* ( کیهان ، ۱ / ۷ / ۵۹ )

البته " دزد " فقط " سنگی " نینداخت که بعد بسرود " سرچایش " ، بل که در همان روز از تمام طول مرز های ایران به سر جای ما آمد. بقیه ما چرا را تا به امروز همه کم و بیش به یاد داریم. دیدیم که موضوع مورد ادعای رژیم یعنی این که جنگ دو کشور دقیقاً در غروب ۳۱ شهریور ۵۹ آغاز شده است ، تا چه حد پرت و مضحك است. اینک به قسمت دیگر سئوال طرح شده در صفحات قبل یعنی به جنگ چرا و چگونه آغاز شد بپردازیم. این امر در دو بخش قابل بررسی است :

بخش اول - این بخش را با اشاراتی گذرا برگزار می کنیم. چرا که به خاطر پیچیدگی و گستردگی آن نمی توان - و درست نیست - تا باز شدن تمامی جنبه های آن ، حکم قاطعی داد. ولی به عنوان یک نظر می توان و باید در زمینه آن سئوالاتی را مطرح کرد.

این بخش از سئوال برمی گردد به نقش کیانی های نفتی و امپریالیسم در این جنگ. اگر سئوال شود که جنگ دو کشور ایران و عراق در واقع جنگ نفتی است ، شاید اختلاف نظر های چندانی در مورد آن وجود نداشته باشد. اما وقتی این سئوال را دقیق تر عنوان کنیم : آیا این جنگ ، جنگ بین کیانی های نفتی است ؟ در این جا پاسخ ها می تواند متفاوت باشد ( ما در سطور زیر در این زمینه و ارتباط آن با جنگ دو کشور ایران و عراق سئوالاتی را مطرح خواهیم کرد ). این سئوال که امپریالیسم در ایجاد این جنگ نقش مهمی داشته است ، به نظر می رسد که کم تر کسی با آن مخالف باشد ، ولی اگر همین سئوال را شخص تر عنوان کنیم : کدام یک از کشورهای امپریالیستی در ایجاد این جنگ بزرگ ترین نقش را داشته است ؟ جواب ها ممکن است یک سان نباشد. راحت ترین جواب ها امپریالیسم آمریکا است - که ممکن است لزوماً درست ترین جواب ها نباشد. از آن جا که جنگ دو کشور ایران و عراق در دستور روز قرار داشت و از طرف دیگر رژیم خمینی که با توافق کشورهای امپریالیستی به سر کار آمد - و در این زمینه خوشبختانه امروز کم تر کسی تردید دارد - ، سئوال این است که کدام یک از این کشور ها منوثرترین نقش را در پی روی کار آوردن این رژیم داشته است ؟ باز راحت ترین جواب ها امپریالیسم آمریکا است - که باز ممکن است لزوماً بهترین پاسخ نباشد. یک پاسخ دیگر می تواند این باشد که توافق بر سر ترکیب خمینی - بازرگان ، توافق امپریالیسم انگلیس - آمریکا بوده است. به هر حال این سئوالات از مسائل گرهی انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ است که باید روزی با فاکت های لازم و بر اساس یک تحقیق علمی باز شود. تا آن وقت ، برای این که مسئله پادروها نماند ، از همان واژه " کلی " امپریالیسم استفاده می کنیم و تردیدی نیست که امپریالیسم در این جنگ منافع عظیمی داشته است. و امپریالیسم آمریکا نیز در منطقه در رابطه با اسرائیل و فلسطینی ها در لبنان ، از ادامه جنگ ایران و عراق و از همکاری - لاقط عملی - رژیم خمینی با اسرائیل بهره های فراوانی جسته و طرح های خود در خاورمیانه را راحت تر پیاده کرده است. و از این جاست کومک های بی قیمت تسلیحاتی اسرائیل ( سلاح ها و لوازم یدکی آمریکائی ) به رژیم ، و نیز به طوری که اخیراً افشا شده ، فروش نفت ارزان قیمت ایران به اسرائیل - از طریق کیانی های انگلیسی و دولت هلند. و از این جاست ، درست در گرماگرم حمله و حشیانه اسرائیل به لبنان ، آغاز عملیات رمضان و حمله به بصره - که مدت یک هفته اخبار تهاجمات و حشیانه اسرائیل از صفحات اول روزنامه های اروپائی و آمریکائی به صفحات داخل انتقال یافت و عملیات رمضان جای آن را گرفت.

و خاتمه جنگ برای کشورهای سرمایه داری چه روزهای خوش و خیال انگیزی را در پیش رو قرار می دهد. بازسازی صنایع نابود شده ، ترمیم خرابی ها و جایگزینی تسلیحات نابود شده. اگر رقم نجومی ۱۵۰ میلیارد دلاری سیدعلی خاضه ئی در مورد خسارات ایران درست باشد ، و اگر ارقام خسارات عراق را به آن اضافه کنیم ، به راحتی می توان پس برد که میزان " خیرات " جنگ برای کشورهای امپریالیستی واقعاً باور نکردنی است و به راحتی می تواند مغزی برای نجات غرب از رکود اقتصادی کنونی به دست دهد.

و بی جهت نیست که جناح هائی از سرمایه داری غرب در انتظار پایان این جنگ به سر می برند و مسی دانند. هرچه از دو طرف کشته شود، به سود اسلام است و از هم اکنون برای آن روز برنامه ریخته و پروژه های حاضر آماده می برای ارائه به دو طرف در اختیار دارند.

شوروی نیز در این جنگ و ادامه آن منافعی دارد و در بدترین حالت، ضرری متوجه آن نیست. شوروی تا زمانی که به عراق مستقیماً و به ایران غیر مستقیم ( از طریق کره شمالی، لیبی و سوریه ) اسلحه می فروشد و مناسبات بازرگانی خود را با ایران گسترش می دهد، تا زمانی که "سوسیالیسم" کودتایی در افغانستان استقرار نیافته، مانند آمریکا "سی طرفی" خود را در این جنگ ادامه خواهد داد، بگذریم از این که امکانات مانور شوروی در ایران و در منطقه، در مقام مقایسه با غرب، چندان زیاد نیست.

با "تحلیل سنتی" از نقش "امپریالیسم" ( یعنی امپریالیسم آمریکا، و نیز یعنی یک مجموعه منسجم و یک دست و عاری از تضاد ) و از این زاویه با تأکید انحصاری بر نقش برتر امپریالیسم آمریکا در جریانات قبل و بعد از قیام تا به امروز در ایران، بسیاری از معماهای لاینحل کنونی پاسخی نخواهند یافت. از جمله پدیده منحوسی به نام رژیم ولایت فقیه، از جمله همین مسئله جنگ دو رژیم حاکم بر ایران و عراق که در این جا مورد بحث ما است. در مورد نقش "امپریالیسم" در جنگ کنونی تردیدی نمی توان داشت و با "تحلیل سنتی" جواب هائی نیز در این زمینه می توان ارائه داد، ولی جواب هائی تضاد مند و به هر حال غیر دقیق. اما در صورتی که بر اساس بررسی ها و تحقیقات آینده اثبات شود که امپریالیسم انگلیس، از قبل از قیام - مثلاً از یک آیت الله افتاده در یک گوشه نجف که گاه با صدور اعلامیه ابراز وجود می کرد، چه گونه و با چه سرعتی یک "امام" و "رهبر انقلاب" ساخته می شود - و بعد از قیام تا به امروز، مؤثرترین نقش ها را داشته است و اگر اثبات شود که جنگ بین کارتل های نفتی انگلیسی و آمریکائی - که همواره حتی در خصمانه ترین و خونین ترین وضعیت ها به شدت مخفی نگاه داشته می شود، و لکنک مخفی در زمان ملی شدن صنعت نفت چه نمونه گویائی است -، می بایست جنگ ایران و عراق فقط جنگ ایران و عراق را به دنبال داشته باشد. در این حال می توان برای این سؤال: "چرا جنگ با عراق، نه با افغانستان، یا نه با یکی از کشورهای خلیج فارس مثلاً عربستان؟" جواب های دقیق تری ارائه داد و گفت: از نظر امپریالیسم انگلیس دقیقاً عراق مناسب ترین کشور منطقه برای این جنگ بود، از جمله به دلایل زیر:

- ۱- قبل از آغاز و تشدید جنگ، عراق بعد از عربستان سعودی بزرگ ترین صادرکننده نفت بود.
- ۲- عراق کشوری - و تنها کشور منطقه - است که نیسی از جمعیت آن شیعه است و صدور انقلاب اسلامی خمینی به آن جا چندان پرت و بی ربط نبود. مضافاً کینه شخصی خمینی از رژیم صدام بهانه و توجیه مناسبی به شمار می رفت.
- ۳- عراق برخلاف عربستان یا افغانستان، کشوری تحت نفوذ مستقیم یا "شکارگاه خصوصی" آمریکا و شوروی به شمار نمی رفت. کشوری نبود که آمریکا یا شوروی به خاطر آن وارد میدان نبرد شوند.
- ۴- باید صادرات نفت عراق - و نه دیگر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس که در حیطه نفوذ کیانی های نفتی آمریکائی اند - از بیش از سه میلیون بشکه در روز به حد اکثر ۷۰۰ هزار بشکه در روز برسد تا نفت شمال، که پس از سال ها به مرحله بهره برداری و تولید رسیده بود، به راحتی بازار فروش پیدا کند.
- ۵- و از آن جا، می بایست بازار تقسیم شده نفتی مختل و متزلزل شود. تقسیم جدید بازار نفتی جهان. لازمه این امر، ایجاد شکاف در اوپک بود و رژیم خمینی مجری یساعامل این برنامه شد. به یاد بیاریم که قریب یک سال پیش، اولین کشوری - که خارج از اوپک - بهای نفت خود در هر بشکه را دو دلار پایین آورد، انگلستان بود و بلافاصله پس از آن، رژیم اسلامی - در داخل اوپک - با کاهش های مداوم قیمت و با عدم پیروی از تصمیمات اوپک - چه در میزان تولید و چه در قیمت گذاری - عملاً اوپک را به صورت یک مجمع عاطل و باطل درآورد.

۶- هم خوانی سیاست شوروی و انگلستان در سی چهل سال اخیر، در مقاطع حساس او، از آن جا، جنگ ایران و عراق - و نه جنگ ایران و افغانستان - و از آن جا، هم سازی و یا لاقط عدم مخالفت شوروی با رژیم ولایت فقیه، و از آن جا حمایت حزب سرسپرده، توده از "خط امام". همان طوری که قبلا گفته ایم، در این مقاله امکان بازکردن این مباحث با تمامی گستردگی و پیچیدگی آن وجود ندارد ( و بنا بر این هیچ حکم قاطعی نمی دهیم )، ولی این اشارات در مقابل تحلیل سنتسی از نقش "امپریالیسم" - بخوانید فقط آمریکا - در ایران از قبل از قیام تا به امروز - به ویژه در رابطه با موضوع مورد بحث ما یعنی جنگ ایران و عراق - و ندیدن عمل کرد امپریالیسم در تمامی ابعاد متنوع آن، با تمامی تضاد های درونی آن و با تمام پیچیدگی های آن، لازم به نظر می رسیده.

**بخش دوم** - بخش دوم سئوال جنگ دو کشور ایران و عراق چرا و چه گونه آغاز شد، بخش ساده تر روشن تر مسئله است. ضد امپریالیسم بازی، صدور انقلاب بازی، امپراتوری اسلامی بازی، تجدید مجدد صدر اسلام بازی، مستضعفین بازی، امام و نائب امام بازی...، این بازی های مسخره قطعاً خاتمه خواهد یافت. کسی؟ نمی دانیم. این امر به بسیاری عوامل داخلی و بین المللی بستگی دارد، ولی در هر حال، یا توده ها به این بازی های مضحک و مبتذل خاتمه خواهند داد و یا طراحان این بازی ها ادامه آن ها را دیگر به صلاح خود نخواهند دید. خاتمه جنگ ایران و عراق نیز به احتمال قوی پاسخ خود را در این محتوای کلی خواهد یافت.

امروز بسیاری از مسائل حتی برای کدن هن ترین افراد و سازمان های سیاسی روشن شده است. آیا در چهار سال پیش چنین بود؟ آیا در همین یکی دو سال پیش چنین بود؟ حتی برای امروز برای عدنی چنین است؟ مهم تر از این، آیا در چهار سال پیش یا در همین یکی دو سال پیش برای اکثریت قریب به اتفاق آراء های خیمه شب بازی که به روی صحنه بودند، و هستند، چنین بود؟ حتی امروز، از مجسمه های بلاهت نظیر خمینی و منتظری و غیره که بگذریم، برای تمامی سردم داران رژیم چنین است؟ از همان آغاز، برای ما، آن بازی ها توهم و خیال بافی بود، مسخره بود. آیا برای خسران در جلد شیر فرورفته چنان بود، و هنوز برای برخی از آنان چنان است؟ آیا واقعا باورشان نشده بود - و هنوز بخشا باورشان نیست - که علی آباد هم شهری است؟

فاکت هایی که در این زمینه، فقط در رابطه با جنگ ایران و عراق وجود دارد، آن چنان فراوان است که فقط نقل مستقیم و بدون تفسیر آن ها به کمای ضخیم احتیاج دارد. در این جا فقط چند نمونه از آغاز انقلاب تا آغاز تاریخ رسمی جنگ دو کشور ایران و عراق - مقطعی از این فاصله - را نقل می کنیم. در صفحات قبل نمونه بی ارائه دادیم که فقط ۱۰ روز بعد از قیام، خمینی در نطقی به طسور ناگهانی و بی مقدمه به تحریک عراق و کویت پرداخت و در ضمن آن شعار "کشورهای اسلامی در زیر یک دولت و یک پرچم" را داد و اضافه کرد که "یک دولت بزرگ اسلامی ((باید)) بر همه دنیا غلبه کند" که صد البته منظور دولت اسلامی خودش بود. و اما چند نمونه کوتاه و گویا، در مقطعی از دوره اشعاره شده در فوق در همین رابطه:

در ماده ۷ قطع نامه تظاهرات مردم بانه اعلام شد:

"ما از حکومت موقت ایران می خواهیم که پشتیبانی و کمک خود را فوراً از دار و دسته قیاده موقت وابسته به ملا مصطفی بارزانی قطع و آن ها را از ایران اخراج کند" (کیهان

۱۰/۱۲/۵۷) (۱۰/۱۲/۵۷)

در جلسه گرد های مقیم مرکز در دانشگاه صنعتی اعلام شد:

"دولت معلوم نیست به چه علت ((جناره)) ملا مصطفی را که نه تابع ایران است و نه ایرانی نه حتی در ایران فوت شد ((در آمریکا مرده بود)) با هلی کوپتر به اشنویه

برد و دفن کرد؟" (پیغام امروز، ۱۹/۱۲/۵۷)

" ملاقات مهم دکتر یزدی در کنفرانس هاوانا با صدام حسین . دکتر ابراهیم یزدی با صدام حسین ملاقات کرد" ( اطلاعات، ۵۸/۶/۱۱ )  
 " دکتر یزدی وزیر خارجه ایران در گفت و گو با روزنامه کویتنی " القیس" اعلام کرد که از صدام حسین رئیس جمهوری عراق برای بازدید از ایران دعوت به عمل آمده است که این دعوت پذیرفته شده . با رئیس جمهوری عراق مذاکرات صریح و شمر بخشی دانسته است و از او دعوت کرد که به ایران بیاید و از نزدیک با نتایج و اثرات شمر بخش انقلاب اسلامی آشنا شود" ( بامداد، ۵۸/۶/۱۵ )  
 " ابراهیم یزدی ، وزیر خارجه ، گزارش کنفرانس هاوانا را به امام داد" ( بامداد ۵۸/۶/۲۲ )

" یزدی ، دعوت از صدام حسین برای سفر به ایران را تکذیب کرد" ( همان جا )  
 " آیت الله العظمی روحانی اعلام کرد که به مردم بحرین فرمان داده است تا علیه حاکم این شیخ نشین قیام کنند . او افزود : بحرین جزئی از ایران است چون رژیم شاه که از ادعای خود در باره بحرین صرف نظر کرد، غیر قانونی بود" ( " انعکاس جهانی سخنان آیت الله العظمی روحانی " ، بامداد، ۵۸/۷/۱ )  
 " حجت الاسلام هادی مدرسی نماینده آیت الله خمینی و رهبر جنبش آزادی بخش بحرین ، پس از دست گیری و سلب تابعیت از بحرین اخراج و به ایران فرستاده شد" ( اطلاعات، ۵۸/۷/۱ )

" الشوره ، ارگان حزب حاکم بعث عراق مدعی دخالت ایران در منطقه خلیج فارس شد . این روزنامه در سرمقاله ای که خیرگزاری عراق آن را انتشار داده . . . . نوشته است : دست های جنایت کاران که به سوی هسیر قسمت از دنیای عرب دراز شود با شمشیر تیز قطع خواهد شد تا رویاهای بیمارگونه توسعه و تجاوز را از میان بردارد . . . نیروهای حاکم در ایران که هنوز سه جزیره را در خلیج فارس در اختیار دارند سعی دارند بحرین را نیز مالک شوند . . . عراق هر گونه بهانه ای را بسراید داخله خارجی و یا هر کوششی را برای تحمیل یک فورمول غیر قابل قبول اکثریت مردم در هر کشور مفروضی را مردود می داند" ( اطلاعات، ۵۸/۷/۳ )

" روزنامه الرأی العام چاپ کویت نوشت : چنین معلوم است که تهران مایل است به نام اسلام یک امپراتوری را دوباره تأسیس کند . . . اعراب به هیچ کس اجازه نمی دهند در بین آن ها تفرقه افکنده و زیر لوای شعار های دروغین در امور داخلی آن ها دخالت کند" ( بامداد، ۵۸/۷/۳ )

" در منزل سفیر عربستان سعودی در تهران بمبی منفجر شد" ( بامداد، ۵۸/۷/۴ )  
 " حجت الاسلام ال مهبری ، نماینده امام خمینی در کویت ، پس از سلب تابعیت به اتفاق ۱۹ نفر از اعضای خانواده خود از کویت اخراج شد و پس از ورود به ایران به قم به حضور امام خمینی رفت" ( اطلاعات، ۵۸/۷/۵ )

" وزیر خارجه عراق خواستار رفع اختلافات با ایران شد" ( بامداد، ۵۸/۷/۱۲ )  
 " سفیر کویت در ایران گفت : ما همین قدر که مطمئن شویم هیچ مداخله ای در امور داخلی یکدیگر انجام نشود ما حاضر به حمایت بدون قید و شرط از ایران هستیم . ما یک اقلیت ایرانی در کویت داریم که آن ها را جز جامعه خود می دانیم . اما آنچه ما می خواهیم آن است که بگذارند ما مسئله را حل کنیم و مایل نیستیم کشور دیگری در این مسائل مداخله کند" ( اطلاعات، ۵۸/۷/۲۲ )

"حمله" مسلحانه سه معاون نخست وزیر عراق . آسوشیتد پرس از بیروت نوشتسه است که این حمله توسط یک ایرانی به نام نورعلی و از اعضای فدائیان اسلام انجام شده است" (اطلاعات، ۵۹/۱/۱۴)

"عرفات در مصاحبه با روزنامه" الخلیج" چاپ شارجه گفته است که آماده" میانجی گری بین ایران و عراق است" (اطلاعات، ۵۹/۱/۱۷)

"صادق قطب زاده، وزیر خارجه، پس از ملاقات با امام خمینی گفت: ما با تمام قدرت در مقابل عراق می ایستیم و آخرین اتمام حجت را نیز با کشورهای عربی مسی کیم" (کیهان، ۵۹/۱/۱۹)

سازمان مجاهدین خلق طی اطلاعیه ئی از "دولت بعث خواستار پایان فتنه انگیزی شد" و تأکید کرد که:

"انقلابیون ایران صرف نظر از هرگونه اختلاف مسلکی و سیاسی و تشکیلاتی تسا پای جان بر سنن ضد امپریالیستی (آمریکائی) امام خمینی استوارند" (کیهان، ۵۹/۱/۱۹)

سازمان چریک های فدائی خلق در بیانیه ئی اعلام داشت:

"رژیم عراق مدت هاست به خدمت امپریالیسم جهانی درآمده و اکنون در مقام یکی از ارتجاعی ترین حکومت های منطقه در برابر خلق های ایران و عراق و سایر خلق های خاورمیانه قرار گرفته است."

و در پایان بیانیه آمده است:

"بدون تردید زحمت کشان قهرمان ایران و عراق خواهند توانست دست در دست هم رژیم دست نشانده" عراق را با شکست نهائی مواجه سازند" (اطلاعات، ۵۹/۱/۱۹)

تیمسار آریامهری، فلاحی، رئیس ستاد مشترک ارتش، برای به دام انداختن "گروه های مسلح داخلی" گفت:

"ملت ایران نیز بداند که آن عکس العمل گروه های مسلح داخلی است که تاکنون ادعا می کردند در برابر استقلال ایران... و در برابر یک تهاجم خارجی با ارتش و ملت ایران همکاری خواهند کرد. چرا چند روز که از تهدید و تجاوزات منظم عراق می گذرد، تاکنون حتی اقدام به صدور یک اعلامیه رسمی یا غیررسمی نکرده اند. چرا تاکنون تجاوزات عراق را تقبیح نکرده اند؟" (۱۲) (اطلاعات، ۵۹/۱/۱۹، ص ۳)

"آیت الله العظمی شیرازی مردم عراق را به اعتصاب و تظاهرات عمومی و عدم همکاری با رژیم عراق دعوت کرد" (همان جا)

"آیت الله منتظری در پیامی به محضنین عراقی در مسجد دانشگاه تهران گفت:

مواظب باشید که عناصر وابسته، در تشکیلات سیاسی - نظامی شما نفوذ نکنند" (همان جا)

"تظاهرات اعتراض آمیز عراقی های مقیم تهران علیه صدام. یکی از شعارهای عراقی ها: خمینی بت شکن تورهبهر جهانی، حامی مستضعفین، توانجی زمانی (کیهان، ۵۹/۱/۲۰)

۱۲- لازم به تذکر است، همان طوری که در فوق دیده ایم، "گروه های مسلح داخلی" قبلاً در تصور بودند، و جالب این که اعلامیه رسمی مجاهدین و فدائیان ها، در همان روزنامه اطلاعات، در همان روز، در همان صفحه ۳، چاپ شده بود.

آیت الله خمینی در پیامی "خطاب به ملت" به انتقاد شدید از "رژیم جنایت کار و منحرف بعث" پرداخت و به صدام که "دستش تا مرفق به خون جوانان غیرعراق آلوده است" سرنگونی قریب الوقوع رژیم او را وعده داد. ( همان جا )

بنی صدر - آن روز که هنوز پادوی ولایت فقیه بود و از طرف سازمان های چپ ما مدال "بورژوا" و "لیبرال" را نگرفته بود - رئیس جمهور و فرمانده کل قوا - گفت :

" ما می خواهیم ارتش را تجدید انقلابی و اسلامی بنمائیم و بهترین جهت ها همین (( جنگ )) است که دولت عراق برای ما فراهم می کند. من از این جهات (( جنگ )) نگرانی ندارم. نگرانی در کشور خود ماست. امروز این مسئله (( سرکوب مخالفان داخلی )) را در شورا ((ی انقلاب اسلامی)) به این نتیجه رساندیم و تصمیم که در آمد باید اجرا کرد. چه شما خوست بیاید چه نیاید" ( باعداد، ۲۰ / ۱ / ۵۹ )  
بنی صدر در سخن رانی خود در پایان "راه پیمائی وحدت" در دانشگاه تهران، خطاب به صدام حسین گفت :

" ما انقلاب کردیم و یک آدم فاسد و خائن را بیرون کردیم. تو در این میان چه می گوئی؟ ما که از روز اول دست تو را خوانده ایم، چه می گوئی، ما مردم عراق را به رژیم فاسد تو بفروشیم، غیرممکن است، نمی فروشیم. اتفاقاً چند نوبت، چه زمانی که در مسئولیت بودم و چه زمانی که مسئولیت نداشتم و فرستادند و گفتند ما آماده ایم تا امور خودمان را با شما حل کنیم، من گفتم با شما امری نداریم که حل کنیم... دفعه آخر یا سرعزفات آمده و من همین جواب را دادم... ما ملت عراق را به تو نمی فروشیم... حال جالب است که در آن جا نطق کرد و گفته است که ما فرزندان قادیسیه هستیم. تو چه چیزی به قادیسیه می ماند؟ تو که اصلاً دین نداری، اسلامیت نداری. فرزند قادیسیه ما (( یعنی من )) هستیم. اولاً که سید هستیم، ثانیاً که در قادیسیه، مردم ایران اسلام را استقبال کردند. آن چه ارتش ما کرد و به طرف امام (( خمینی )) آمد، ارتش آن روز هم به طرف اسلام رفت و یزدگرد سوم را رها کرد... حالا امتحان کن، اگر سربازان عراقی تو که مسلمان هستند به طرف ما نیامدند معلوم می شود که تو راست می گوئی و اگر تو آمدی و معلوم شد که سرباز مسلمان عراقی در برابر سرباز امام خمینی ایستاد و خود به این ارتش امام ملحق نشد و اگر ملت عراق به ارتش تو پشت نکرد و خود این ارتش به تو پشت نکرد تو راست می گوئی... " ( تأکید از ماست. اطلاعات ۲۳ / ۱ / ۵۹ )  
"حجت الاسلام آصفی از روحانیون مبارز عراق طی سخنانی در مراسم نماز جمعه تهران گفت: انقلاب اسلامی اساساً مرزی ندارد و مرزی هم نمی شناسد. اگر ما انقلاب را صادر نکنیم ملت مستضعف خودشان انقلاب را وارد خواهند کرد" ( باعداد، ۲۳ / ۱ / ۵۹ )  
"حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای، امام جمعه تهران :  
" ما امروز در منطقه یک قدرت عظیم هستیم. اولاً ما یک قدرت معنوی هستیم... ثانیاً ما یک قدرت انسانی هستیم نزدیک به یک میلیارد مسلمان... این ها همه با ما هستند و قرائن نشان می دهد که همه وارد کارزار خواهند شد" ( همان جا )  
آیت الله منتظری پس از ملاقات با آیت الله خمینی :

" همان طوری که می دانید، اسلام، ایران و عراق نمی شناسد" ( اطلاعات، ۲۵ / ۱ / ۵۹ )  
بنی صدر خطاب به رانده شدگان از عراق :

" برای کشور ما که حاضر نشد ملت تحت ستم عراق را با رژیم عراق معامله کند، مایه فخر است. برای ما آسان بود که با رژیم بعثی عراق کنار بیائیم و مردم عراق را از انقلاب



و تلاش و کوشش و ایجاد یک دولت اسلامی مایوس‌کنیم. اما ما این کار را نکرده‌ایم.

( همان جا ، تأکید از ماست )

قطب‌زاده ، وزیر امور خارجه :

" در مورد عراق ما حاضر نیستیم هیچ گونه میانجی‌گری را بپذیریم " ( همان جا )

نخست‌وزیر گویت :

" توطئه‌هایی پنهان برای برهم زدن تعادل دول عربی منطقه خلیج فارس در دست

تدارک است " ( همان جا )

آیت‌الله منتظری در دیدار خود با آیت‌الله خمینی به او گفت :

" مسئله‌ئی که الان برای ما مهم است مسئله عراق است و می‌دانید که اکثریت قاطع

ملت عراق بل که همه ملت عراق . . . با آقای صدام حسین و بعث عراق موافق نیستند.

آن‌ها منتظر این هستند که فرصتی پیدا کنند و علیه حکومت قیام کنند . . . این روزها

برادران عراقی ما مرتباً مراجعه می‌کنند و می‌گویند همان طور که حضرت امام خمینی انقلاب

ایران را رهبری کردند تا به ثمر رسید ، انتظار داریم که انقلاب عراق را هم رهبری کنند ،

آن‌ها می‌گویند امام خمینی رهبری اسلامی است و در اسلام هم مسئله جغرافیا و رنگ

و زبان مطرح نیست " ( بامداد ، ۵۹ / ۱ / ۲۵ )

" امام ، ارتش و ملت عراق را به قیام دعوت کرد " ، آیت‌الله خمینی در اجتماع افراد

بسیج شهرستان‌ها گفت :

" این صدام حسین عقش هم عقل درستی نیست و پیوسیده است . . . این‌ها (( صدام

و حکومتش )) نمی‌دانند که اگر بخواهند تعدی کنند به ایران ، ایران خوردشان می‌کند

و تا بغداد می‌رود . ملت را می‌خواهد ، دولت را از بین می‌برد . . . ارتش عراق بایستد

توجه به این معنا داشته باشد که این‌ها را خودش سرکوب کند و خودش از بین ببرد . . .

خب این را از بین ببرند و حرام است بر آن‌ها که یک قدم دنبال این شخص لعین باشند

و باید قیام کنند بر ضد او و حکومت و مملکت خودشان را اسلامی کنند و قواعد هم اسلامی

باشند " ( اطلاعات ، ۵۹ / ۱ / ۳۰ )

" رویتر گزارش داد : ژنرال هوپز روز گذشته طی بیانیه‌ئی گفت که هنوز فعالیت

های او در رابطه با مسائل ایران پایان پذیرفته است . سخن‌گوی او در جمع خبرنگاران

گفت : ژنرال هوپز صحیح نمی‌داند که افشای جزئیات نقش آمریکا در طی انقلاب سال

گذشته ایران ( ۱۹۷۹ ) به ویژه در شرایطی که امکان مذاکرات برای آزادی گروگان‌ها

دشواری است به صلاح ما باشد زیرا ممکن است با روشن شدن نقش آمریکا در جریان

های سال گذشته ، سلامت جان گروگان‌ها به خطر بیفتد " ( بامداد ، ۵۹ / ۲ / ۳ )

دکتر چمران ، وزیر دفاع ، در مورد نقش میانجی‌گری بعضی دولت‌های منطقه گفت :

" بین ملت ما و صدام حسین خط‌خون کشیده شده است و به هیچ وجه من‌الوجه

میانجی‌گری را از جانب هیچ طرفی نمی‌پذیریم . . . این محال است ، خط ما را خط

خون تشکیل داده است و تا سقوط قطعی صدام از هیچ مبارزه قاطعی دست‌بر

نخواهیم داشت " ( جمهوری اسلامی ، ۵۹ / ۲ / ۶ )

" سازمان پیکار اسلامی عراق با صدور اعلامیه‌ئی رسماً اعلام کرد که صدام حسین

رئیس‌جمهوری عراق توسط غلام‌پور یاسر وابسته به این سازمان ، کشته شد " " صادق

قطب‌زاده وزیر امور خارجه در یک گفت‌وگو مطبوعاتی در دمشق ، خبر کودتا و کشته

شدن صدام حسین را تأیید کرد " ( همان جا )

"جلال طالبانی رهبر اتحادیهٔ میهنی کردستان عراقی که در تهران به سر می‌برد با مقامات ایرانی از جمله صادقی قطب زاده و صادقی طباطبائی گفت و گو کرده است؛ او دریایی که برای آیت‌الله خمینی ( تحت عنوان "آیت‌الله العظمی امام خمینی مشعل افرورز انسانی و رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی" ) فرستاد، اعلام داشت که "تمام امکانات خود را در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد" و اضافه کرد:

"تمام آزادی‌خواهان عراقی اعم از کرد و عرب که در میان آن‌ها شیعه و سنی و مسلمان و مسیحی نیز می‌باشد همگی طرفدار انقلاب اسلامی می‌باشند" (بامداد، ۱۰/۲/۵۹)  
"حجت الاسلام مجد، سرپرست ارتش ۲۰ میلیونی: ارتش ۲۰ میلیونی برای مبارزه با ستون پنجم آماده می‌شود" (جمهوری اسلامی، ۱۰/۲/۵۹)

"نمایندگان الفتح برای میانجی‌گری عازم تهران و بغداد می‌شوند" (کیهان، ۱۴/۲/۵۹)  
"وزیر خارجهٔ بنگلادش آمادگی خود را برای میانجی‌گری بین ایران و عراق اعلام داشت" (اطلاعات، ۱۴/۲/۵۹)

قطب زاده، وزیر امور خارجه و عضو شورای انقلاب:

"موضع ما در مورد عراق روشن می‌باشد. ما هیچ گونه میانجی‌گری را نمی‌پذیریم و نخواهیم پذیرفت" (جمهوری اسلامی، ۱۴/۲/۵۹)

"یاسر عرفات برای کاهش تنش میان ایران و عراق وارد بغداد شد" (اطلاعات، ۱۲/۲/۵۹)

در پایان جلسهٔ شورای انقلاب، صادقی قطب زاده دربارهٔ احتمال میانجی‌گری سازمان آزادی بخش فلسطین بین ایران و عراق گفت:

"بارها و بارها صریحا اعلام کردیم که هیچ گونه میانجی‌گری توسط هیچ کس را بین ایران و عراق قبول نداریم. دولت جنایت کار عراق... باید از بین برود" (کیهان، ۱۲/۲/۵۹)

"آیت‌الله خمینی، تحت‌الاسلام خاضه نی و مصطفی جعفران را به عنوان مشاوران خود در شورای عالی دفاع تعیین کرد" (اطلاعات، ۲۱/۲/۵۹)  
علی شمس‌اردگانی، سفیر ایران در کویت:

"خروج نیروهای ایرانی (( اعزامی توسط شاه )) از عمان، يك خیانت بود" (کیهان، ۲۱/۲/۵۹)

در آستانهٔ افتتاح مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس برای "زیارت امام خمینی" و دریافت ژهنودهای ایشان " به جماران رفتند. فخرالدین حجازی نمایندهٔ اول تهران از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی سخنانی ایراد کرد و از جمله گفت:

"امام - بنفسی انت و امی... محدودهٔ ایران برایت تنگ است، تو در فواخسای جهان به هدایت پرد از، ای نازنین عرشی، ای آن که امیدهای مسلمانان جهان را بر آوردی، ایران برایت تنگ است زیرا نه تنها کرهٔ ارض که همهٔ کائنات تحت حکومت خدا است و خدا آن را به حجتش ولی عصر تفویض فرموده و تو نایب آنی، پس بر جهان حکومت کن، ارزانیات این حکومت ای امام... " (اطلاعات، ۵/۳/۵۹)

رمزی کلارک، وزیر پیشین دادگستری آمریکا که در رأس يك هیئت ده نفری برای شرکت در کفرانس بین‌المللی بررسی جنایات آمریکا به تهران آمده بود، اعلام داشت:

"مردم آمریکا سرانجام امیرالیم آمریکا را نابود خواهند کرد" (اطلاعات، ۱۴/۳/۵۹)  
"رمزی کلارک خواستار آزادی گروگان‌ها شد" (اطلاعات، ۱۹/۳/۵۹)

"تله گرام آیت الله العظمی شیرازی به دبیرخانه مجمع کشورهای عربی : برای نجات

ملت ستم دیده عراق از زیر یوغ دژخیمان بعث اقدام کنید" (اطلاعات، ۵۹/۴/۳)

ادریس بارزانی ، مزدور شناخته شده "سیا" ، در مصاحبه با خبرنگاران اطلاعات :

"سیاست صدام ، سیاست آمریکاست" (اطلاعات، ۵۹/۴/۵)

حجت الاسلام خامنه ای ، امام جمعه تهران :

"عوامل آمریکا و عراق قصد داشتند میلیون ها مسلمان را بکشند" (اطلاعات ۵۹/۴/۲۱)

"حمایت دفتر حزب جمهوری اسلامی در آبادان و حومه ، دادستان انقلاب اسلامی

آبادان و خرم شهر و چندین نهاد انقلابی دیگر ، از عمل انقلابی استان داریوزستان ،

مهندسرغرضی (( در برکناری فرماندهان ارتش در خوزستان و جایگزینی آن ها توسط

افراد سپاه پاسداران)) قدر دانی کردند" (جمهوری اسلامی ، ۵۹/۴/۲۲)

"چهار فرمانده سپاه (۱۳) ، فرمانده ارتش شدند" (آزادگان ، ۵۹/۴/۲۲)

آیت الله علامه نوری :

"رانده شدگان از عراق باید مسلح شوند. عراقیان مسلح شده می توانند دفاع

صدام را به خاک بمالند و آب و خاک و حقوق خود را بازستانند" (کیهان ۵۹/۴/۲۹)

استان داریاسلام :

"هیاهوی اتمی شدن عراق به هیچ وجه مایه نگرانی و هراس ما نیست. و عراقی ها

بسیار کوچک تر از آن هستند که به سلاح اتمی مجهز شوند . . . اگر امام فرمان دهد . . .

مطمئن باشید ظرف یک هفته ارتش جمهوری اسلامی ، ژاندارمری و سپاه پاسداران و بسیج

کشور عراق را با کومک مردم مؤمن و شعهد عراق تسخیر خواهند کرد" (کیهان ۵۹/۵/۵)

"با فرمان امام یا فرمانده کل قوا ، نیروهای انقلاب آمادگی خود را برای تصرف

عراق با پشتیبانی مسلمین اعلام کردند" (جمهوری اسلامی ، ۵۹/۶/۲۸)

هنوز می توان ده ها و ده ها صفحه دیگر به ارائه فاکت ها در این زمینه ادامه داد. گمان می

کنیم همین نمونه های فوق برای روشن کردن بخش دوم سئوال ( طرح شده در صفحات قبل ) بسنده باشند.

۳- با وجود تلاشهایی که در تایپ مجدد و متن ارسالی رفقای داخل انجام شده بود، بهمان دلیل در سواریهای تکبکی، اغلاط بسیاری در متن تکثیر شده شماره اول رهائی وجود داشت ( و بخش هایی از مقاله "جنگ دو رژیم . . ." که در دو شماره فروردین ماه ۶۲ نشریه "ایران شهر" انتشار یافت نیز طبیعتاً نمی توانست از این اغلاط بی نصیب باشد) . در زیر مهم ترین آنها را نقل میکنیم و با پیوزش از خوانندگان رهائسی میخواهیم که در تصحیح آنها همت گمارند .

صفحه	سطر	غلط	در دست
۵	۲۱	۱۳۵۷ این	۳۵۸ این
۵	۳۳	اجرای	عدم اجرای
۶	۷	در رأی ملی ، واقعی نیست .	در رأی ملی واقعی ، وجود ندارد .
۷	مطربا قبل آخر	حاله	چاله
۸	۱۷	به به بار	بیسار
۱۶	۴	ویران گرانه	ویران گرانه و
۱۶	۱۳	جواب	جواب کم و بیش
۱۷	۱۱	منتها	النته
۱۹	۱۶	روابط صا	روابط با
۱۹	۱۶	صهیونیستی	صهیونیستی را
۱۹	۲۳	می گوئیم	می گوئیم
۲۰	مطربا آخر	ند آریم .	ند آریم ) .
۲۳	۱۲	در کسور	در کسور
۲۳	۱۸	راست ترین	راحت ترین
۲۴	۷	آمریکسا	آمریکابه
۲۴	۱۶	اعلامیه	یک اعلامیه
۲۴	۱۹	و جنگ	و این جنگ

[... دیگر نوشته های سیاسی](#)    [اشعار](#)    [نوشته ها و ترجمه های پراکنده](#)